

بلاغت کاربردی
کارشناسی ارشد
جلسه اول
مدرس: دکتر دارابی

بدیع لفظی سجع

سجع متوازی
دو کلمه، وزن و حرف روی (حرف آخرشان) یکسان است

آزردن دوستان **جهل** است و کفارت یمین **سهل**.

هرچه **نیاید**، دلبستگی را **نشاید**.

شما را **طَرَب** داد و ما را **تَعَب**.

سجع مُطَرَّف

دو کلمه در تعداد هجا و وزن متفاوتند اما حرف روی آنها یکسان است.

آن آرزى که مى‌ورزى.

گفتى خردۀ مینا بر خاکش زیخته و عقد ثریا در تاکش آویخته.

سرّ عشق نهفتنى است نه گفتنى؛ بساط مهر پیمودنى است نه نمودنى.

وزن دوری

اگر بیت به چهار بخش یا پاره تقسیم شود و در سه بخش از آن، سجع‌های متوازی یا مُطَرَّف آورده شود، شعر دارای قافیه درونی یا وزن دوری است

صبح است گلگون تاخته، شمشیر بیرون آخته

بر شب شبیخون ساخته، خورش به عمدا ریخته

مستان صبح آموخته، از می فتوح اندوخته

می شمع روح افروخته، نُقل مهیا ریخته

سجع مُتوازن
کلمات از نظر وزن مساویند اما در حرف رَوی مشترک نیستند.

این لطیفه **بدیع** آوردی و این نکته **غریب** گفتی.
الهی یک دل **پُردرد** دارم و یک جان **پُر زجر**.
شیطان با **مُخلصان** بر نمی آید و سلطان با **مُفلسان**.
در این مورد مخلص و مفلس به صورت مفرد با هم مقایسه شوند

ترصیع

واژگان در دو مصراع، دو به دو سجع متوازی دارند.

رهان گردن از بار غُلّ طمع

خاک خوشتر بی ثنایش در دهان

نه به دیدار درآید که نشانش جویند

سعادت سبویی است از بحر او

فشان دامن از خار ذُلّ طمع

چاک بهتر بی دعایش هر زبان

نه به گفتار بگنجد که مقالش دارند

طهارت وضویی است از نهر او

مُوازنه

واژگان در دو بیت، دو به دو سجع‌های متوازن داشته باشند. البته ممکن است بعضی از کلمات، از انواع دیگر سجع باشند.

قلب ضرابانِ شعر از من پذیرد کیمیا
زمین را ز حکمت، فرومایه کرد
اگر غیب نویسی، به ارادت خوانم
بی وصل تو باغ در تموزم

عقد نظامانِ سحر از من ستاند واسطه
فلک را ز رفعت، قوی پایه کرد
اگر تلخ فرستی، به حلاوت نوشم
با هجر تو ابر در بهارم